

هیتلر در حمله به لهستان مفهوم تازه‌ای از جنگ ایجاد کرد، او بمب افکن شیرجه‌ای و هواپیمای تهاجمی «پونکرس یو ۸۷» معروف به «اشوتکا» را به طور اختصاصی برای حمله به لهستان طراحی کرده بود که ارایه‌های فرود ثابت این جنگنده، پروانه‌های کوچکی داشت که در حین شیرجه با جریان هوا به چرخش درمی‌آمدند و سوت‌هایی را همچون زوزه‌ای ممتد، گوش خراش و ازپیش طراحی شده تولید می‌کردند. آلمانی‌ها به آن «شیپور اریحا» می‌گفتند، اما برای قربانیانش تنها یک نام داشت: «شیپورهای وحشت»!

تولید نویز؛ تاکتیک ساده اما کشنده

این سازوکار ساده، یک تاکتیک روانی حساب شده بود. هواپیماهای نازی هاملت کرکس در آسمان ظاهر می‌شدند، اما پیش از رهاشدن بمب، چیزی خطرناک‌تر از فولاد و مواد منفجره رها می‌شد؛ یک زوزه رعب‌آور و نفس‌گیر که ذهن را پیش از تن هدف می‌گرفت، چون سوت‌ها تنها در حالت شیرجه به سمت هدف به صدا درمی‌آمدند و شنیدن آن صدا برای مردم لهستان فقط یک معنی می‌داد: «مرگ دقیقاً و مستقیماً از آسمان به سمت شما حرکت می‌کند».

این کار قدرت تشخیص رافیل و موجی از هراس بین همه، نظامی و غیرنظامی، بخش می‌کرد. قدرت

«نویز» یک سلاح تمام عیار در جنگ جهانی دوم بود! و فضای ذهنی را چنان مسموم می‌کرد که اثر

بمب‌های فیزیکی چندبرابر می‌شد! سلاحی که هنوز هم در جنگ‌های ترکیبی استفاده می‌شود.

نویز اطلاعاتی؛ جنگ در عصر ابهام

کرکس‌های نازی هنوز هم توی آسمان مشغول پروازند، فقط شکل آن‌ها کمی متفاوت شده است. هنوز هم وقتی هواگردهای دشمن به سمت جایی حمله می‌کنند پیش از آن که بمب‌های فیزیکی تخریب ایجاد کنند صدای مهیب آن‌ها آسمان و مغز آدم‌ها را می‌شکافد و اطلاعات و روایت‌ها طوری در آسمان ضربه می‌زند که اثر موشک‌ها روی زمین چندبرابر می‌شود. آن‌ها پیش و پس از هر حمله‌ای شیپورهای اریحا را به صدا درمی‌آورند و با داده‌های مغشوش، اخبار متضاد و روایت‌های هدمند سعی می‌کنند قوه تشخیص را مختل کنند. «شیپورهای وحشت» این بار به صورت «نویز اطلاعاتی» طنین‌انداز می‌شوند. استراتژی مدرنی برای ایجاد غبار مصنوعی در فضای ذهنی جامعه که قصد دارد اعتماد به هر منبع خبری را از بین ببرد و سرگیجه شناختی ایجاد کند و در نهایت قوه قضاوت و اقدام جمعی را به طور کامل فلج کند. به این ترتیب جامعه نمی‌تواند واقعیت را از افسانه تشخیص دهد و در نتیجه هر چنایتی می‌تواند در پشت این پرده‌ها عادی و نابایدا شود!

عادی سازی؛ از انفجار تا تیترو روزانه

شیپور وحشت دیروز و نویز اطلاعاتی امروز دقیقاً مثل هم عمل می‌کنند. دیروز غرش شیپورهای اشوتکا پیش‌زمینه‌ای برای ورود آلمان بمب و حمله بود و شهروندان در ترس و انتظار مرگی نامشخص فلج می‌شدند و امروز نویز اطلاعاتی کاری می‌کند ما اخبار هولناکی را که به گوشمان می‌رسد، نه به عنوان «فاجعه» که به عنوان یک «تیترو معمولی» بپذیریم. آدم‌ها وقتی دچار فلج ذهنی می‌شوند نمی‌دانند باخودشان چه می‌کنند، نمی‌فهمند که این رفتار چه عواقبی می‌تواند داشته باشد و در مورد اتفاقاتی که متعاقباً گریبان‌شان را می‌گیرد بی‌تفاوت عمل می‌کنند. اتفاقاتی که اصطلاحاً بی‌معنی نیستند.

عادی سازی چیزهای غیرعادی

در نهایت، نتیجه روان شناسی از «زوزه اشوتکا» تا «سیل اطلاعاتی امروز» یک مسیر واحد را ترسیم می‌کند: هدف اصلی از بین بردن زیرساخت‌ها نیست، از کار انداختن توانایی ذهنی جامعه برای مقاومت فعال است. با تکرار مداوم اخبار هولناک و ضد و نقیض، خواه درباره جنگ جهانی دوم باشد خواه تهدیدات امروزی و شایعات مرتبط با یک درگیری احتمالی مانند حمله آمریکا به ایران، ذهن از حالت «وحشت واکنشی» به «بی‌حسی مزمن» سقوط می‌کند؛ درست همان‌طور که مردم زیر صدای زوزه اشوتکا در انتظار مرگ بودند، امروز زیر تیتروهای روزانه، به نظرشان فاجعه امری است که نمی‌توان از آن اجتناب کرد. انباشت لایه‌های متعدد شایعات و تحلیل‌های متناقض (نویز) عملاً ظرفیت جامعه را برای اینکه میان یک احتمال واقعی و یک عملیات سلب توجه روانی تمایز قائل شوند را به نقطه صفر نزدیک می‌کند. این‌گونه است که شیپور اریحای مدرن، با پنهان سازی حقیقت میان حجم عظیم داده‌های مسموم، هدف نهایی خود یعنی عادی سازی آنچه را نباید عادی باشد، محقق می‌کند! وقتی با عباراتی نظیر «کار خودشان است» یا «از این بدتر که نمی‌شود» مواجه می‌شویم و بعد از آن انبوهی از روایت‌های متضاد اطراف این اخبار را احاطه می‌کند، مغز سعی می‌کند از خودش محافظت کند و برای این محافظت، راه بی‌تفاوتی را پیش می‌گیرد. این، نقطه اوج پیروزی مهندسان نویز است؛ اطلاعات نادرست دیگر جوششی ایجاد نمی‌کند!

وظیفه در میانه غبار؛ جست‌وجوی سیگنال

ما به عنوان شهروندان، در میدان جنگ مدرن باید این سلاح را بشناسیم. باید دانست که این هیاهوهای به ظاهر طبیعی، اغلب ساختگی و هدفمندند. باید مهارت قضاوت‌کردن در لحظه اول را پیدا کرد و الگوهای تکرار شونده در میانه آشوب‌ها را به یاد آورد و از این‌ها عظیم‌تر پرسش‌های ساده‌ای است که نویز سعی می‌کند آن‌ها را محو کند: «چه کسی؟»، «به دستور چه کسی؟» و «چه کسی سود می‌برد؟». مهم‌تر از همه: «این مسیر به کجا می‌رود؟» حقیقت را معمولاً در تکرار آرام یک واقعیت توسط شاهدان مستقل می‌توان یافت. تاریخ به ما هشدار می‌دهد که هرگاه جامعه‌ای تشخیص حقیقت را که سنگ بنای هر اعتراض و محکمه‌ای است، به نویز واگذارد کند، فاجعه که فقط یک قدم آن سوتر در کمین نشسته، درست‌به‌کار می‌شود. کار ما یافتن و تقویت آن سیگنال‌های ضعیف اما واقعی است!

جشنواره فیلم فجر یکی از مهم‌ترین
فستیوال‌های سینمایی دنیاست که
در شرایط سخت هم پابرجا بوده

فجر
تعطیلی
ندارد

نقشه‌های روبل‌دیم

ترامپ روی میز مذاکره ۴ شرط برای خلع سلاح عملی ایران

گذاشته است و هم‌زمان تهدید می‌کند

۲



موساد اینترنشنال
۱۲۰۰۰ کدهای ملی منتشر کند

یک چالش برای رسانه‌های اپوزیسیون که درباره تعداد جان باختگان مزایده گذاشته‌اند

موساد
LIARNATIONAL

دروغ فوری
کشته سازی

۲

از پذیرش رسید کارتخوان به عنوان صورتحساب تا تمدید مهلت‌های قانونی

چتر حمایت مالیاتی
بر سر بازار

۸

پیام دومین سفر جولانی به مسکو

سوریه بدون روسیه
اداره نمی‌شود

۷